

بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سرمایه‌گذاران نهادی

حامد ذاکری^۱ / یحیی حساس یگانه^۲

چکیده

سرمایه‌گذاران نهادی به دلیل در اختیار داشتن حجم بالای سهام بر مدیریت نفوذ زیادی دارند. آنها خواستار اطلاعات مالی با کیفیت هستند و ترجیح می‌دهند حسابرسی شرکت توسط مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی صورت پذیرد زیرا این مؤسسه‌ها کیفیت حسابرسی نسبتاً بالایی ارائه می‌نمایند. تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سطح مالکیت نهادی پرداخته است. در این تحقیق اندازه مؤسسه حسابرسی به عنوان متغیر وابسته و دو ارزشی است. چنانچه مؤسسه حسابرسی، دارای اندازه بزرگ باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر دارد. آزمون فرضیه تحقیق با استفاده از رگرسیون لجستیک برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ صورت پذیرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بین مالکیت نهادی و اندازه مؤسسه حسابرسی ارتباط مثبت وجود دارد و این حاکی از نظارت فعالانه سرمایه‌گذاران نهادی بر مدیریت شرکت است.

واژگان کلیدی: حسابرسی، سرمایه‌گذاران نهادی، اندازه مؤسسه حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42, G32, G34

۱. کارشناس ارشد حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

۲. استادیار گروه حسابداری دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی

۱- مقدمه

طبق تئوری نمایندگی، تفکیک مالکیت و کنترل در شرکت‌های مدرن برای مدیران انگیزه ایجاد می‌کند تا با هزینه سهامداران به منافع خود دست پیدا کنند (Jensen, et al., 1976). از آنجایی که ارقام سود در قراردادهای مختلف نظیر قراردادهای جبران خدمت به عنوان معیار سنجش عملکرد مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدیران جهت اعمال مدیریت سود انگیزه دارند. از سوی دیگر سهامداران با به کارگیری ابزارهای گوناگون، فعالیت‌های فرصت طلبانه مدیریت را محدود می‌سازند. یکی از این ابزارها انجام حسابرسی توسط یک فرد مستقل و دارای صلاحیت حرفه‌ای است. حسابرسان مستقل مسئولیت اعتبار دهی اطلاعات صورت‌های مالی را بر عهده دارند. آنها به دلیل وجود محدودیت‌های ذاتی و رسیدگی نمونه‌ای نمی‌توانند یک اطمینان کامل ارائه دهند، بدین معنی که کلیه تقلبات و اشتباهات بااهمیت کشف شده است. از سوی دیگر، نحوه رسیدگی حسابرس بر احتمال کشف اشتباهات بااهمیت تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، هر چه کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، شانس کشف اشتباهات بااهمیت افزایش می‌یابد. بنابراین کیفیت حسابرسی بالا به معنی افزایش کیفیت سود می‌باشد (Becker, et al., 1998) و موجب ارائه اطلاعات مفید و قابل اتکا به سهامداران می‌گردد. در صورتی که مدیریت شرکت، حسابرسی با کیفیت بالا فراهم نکند، این امر موجب افزایش عدم اطمینان در صورت‌های مالی و متعاقب آن افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و هزینه سرمایه می‌شود و این هزینه‌ها در نهایت توسط سهامداران پرداخت می‌شود.

سهامداران دارای مکانیزم دیگری به نام حاکمیت شرکتی هستند که با استفاده از آن می‌توانند اطلاعات حسابرسی شده با کیفیت بالا کسب نمایند. سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان بخشی از این مکانیزم قلمداد می‌شوند که نسبت به سایر سهامداران دارای نفوذ بیشتری در شرکت هستند و قادرند تصمیمات مدیریت را تحت تأثیر قرار دهند. هدف از این تحقیق بررسی این موضوع است که آیا سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت نقش نظارتی ایفا می‌نمایند و خواستار حسابرسی توسط موسسه‌های بزرگ هستند.

بدین ترتیب این تحقیق به بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ می‌پردازد. در ادامه ادبیات تحقیق و فرضیه تحقیق بیان می‌شود. سپس روش تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد. بعد از آن یافته‌های تحقیق، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی

تعاریف گوناگونی از کیفیت حسابرسی ارائه شده است. دی آنجلو (DeAngelo, 1981) کیفیت حسابرسی را این گونه تعریف می‌کند، احتمال این که یک حسابرس بتواند تحریفات بااهمیت در سیستم حسابداری را کشف کند و آن را گزارش نماید. احتمال کشف تحریفات بااهمیت به توانایی‌های حسابرس، روش‌های صورت گرفته در کار حسابرسی و مقدار نمونه‌گیری بستگی دارد. احتمال گزارش تحریفات مرتبط با میزان استقلال حسابرس است. وی معتقد است که کیفیت حسابرسی بالا به معنی کیفیت سود بالا است. همسو با این مفهوم نتایج تحقیق بیکر و همکاران (Becker, et al., 1998) نشان داد که شرکت‌های حسابرسی شده توسط شش مؤسسه بزرگ حسابرسی (به‌عنوان عامل کیفیت حسابرسی) اقلام تعهدی اختیاری پایین‌تری گزارش می‌کنند. همچنین تو و همکاران (Teoh, et al., 1993) دریافتند که ضریب واکنش سود برای شرکت‌های حسابرسی شده توسط هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی، بالاتر از سایر شرکت‌ها است. آنها نتیجه گرفتند که اعتبار و شهرت هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی منجر به افزایش اعتبار گزارش‌های مالی می‌شود. بیکر و همکاران (Becker, et al., 1998) و تو و همکاران (Teoh, et al., 1993) تأکید می‌کنند که کیفیت حسابرسی بالا منجر به کیفیت سود بالا می‌گردد و این امر سبب کاهش عدم اطمینان درباره اطلاعات مالی می‌گردد. تیتمن و همکاران (Titman, et al., 1986) معتقدند که حسابرسی با کیفیت، اطلاعات دقیق‌تر را در نظر گرفتن ارزش بازار فراهم می‌کند.

به نظر پالمروس (Palmrose, 1988) احتمال این که صورت‌های مالی عاری از تحریفات بااهمیت باشد، کیفیت حسابرسی نام دارد. زیرا هدف حسابرسی ارائه اطمینان نسبت به صورت‌های مالی است. دیویدسون و همکاران (Davidson, et al., 1993) توانایی حسابرس در کشف و حذف تحریفات بااهمیت و دستکاری در سود خالص گزارش شده را کیفیت حسابرسی تعریف کرده‌اند.

کیفیت حسابرسی تابعی از عوامل گوناگونی است که ارزیابی آن توسط سرمایه‌گذاران خارجی دشوار یا غیرممکن است. این عوامل شامل پیچیدگی کارهای حسابرسی، قلمرو و اندازه حسابرسی، میزان صلاحیت حرفه‌ای مورد نیاز و در دسترس، محدودیت‌های زمانی، تقاضای رقابتی برای منابع حسابرسی، ماهیت و پیچیدگی کنترل‌های داخلی و سیستم اطلاعاتی، میزان خطر تقلب و اشتباهات بااهمیت و قابلیت دستیابی به اسناد پشتیبانی می‌باشد (Kane, et al., 2004). مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ دارای کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به سایرین هستند. این بدین خاطر است که آنها خدماتی

مشابه با استفاده از نام تجاری در مبادله کالا ارائه می‌نمایند. از آنجایی که فرایند تولید اغلب قابل مشاهده نیست، عنوان نام تجاری برای خریداران اطمینان فراهم می‌کند که کیفیت محصول بالا است، در نتیجه ریسک و عدم اطمینان مرتبط با خرید کالا کاهش می‌یابد. علاوه بر این مؤسسات حسابرسی بزرگ به دلیل کسب شهرت و اعتبار، انگیزه بیشتری جهت ارائه حسابرسی با کیفیت بالا دارند. همچنین به سبب آن که تعداد مشتریانشان زیاد است، هیچ نگرانی نسبت به از دست دادن آنها ندارند.

۲-۲- سرمایه‌گذاران نهادی

دو فرضیه در رابطه با سرمایه‌گذاران نهادی مطرح شده است. بر طبق فرضیه نظارت فعال، سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بلندمدتی هستند که انگیزه و توانایی زیادی برای نظارت فعالانه مدیران دارند (Brous, et al., 1994). شواهد زیادی بر این موضوع تأکید می‌کند. این شواهد همسو با تئوری مالی است که بر طبق آن ارزش بازار شرکت تابعی از ساختار مالکیت سرمایه است. طبقات مختلف صاحبان سهام، نظارت‌های گوناگونی را اجرا می‌کنند که موجب کاهش هزینه نمایندگی می‌شود. هزینه نمایندگی پایین، افزایش ارزش بازار شرکت را در پی دارد. همسو با این مفهوم مسکونل و همکاران (McConnell, et al., 1990) شواهد تجربی مبنی بر ارتباط مثبت بین ارزش شرکت با مالکیت داخلی و مالکیت نهادی کسب نمودند. به اعتقاد آنها، هنگامی که شرکت دارای نسبت مالکیت نهادی یا مالکیت داخلی بیشتری باشد، هزینه نمایندگی پایین‌تر است. از آنجایی که اطلاعات مالی برای اهداف ارزشیابی شرکت با اهمیت هستند، سرمایه‌گذاران نهادی خواستار اطلاعات با کیفیت بالا هستند. آنها نفوذ بیشتری نسبت به سایرین دارند. این بدین خاطر است که سرمایه‌گذاران نهادی مبلغ بزرگ‌تری از سرمایه را در اختیار دارند و با استفاده از آن می‌توانند از دو طریق اعمال نفوذ نمایند. اول این که آنها قادر به خرید و فروش حجم بزرگ اوراق بهادار هستند. این کنترل، یک ابزار اهرمی با اهمیت به آنها می‌دهد. دوم این که سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند با نگهداری حجم بزرگ سهام عادی دارای حق رأی، به صورت مستقیم بر تصمیمات مدیریت تأثیر بگذارد. تنها وجود چنین قدرت حق رأیی به صورت بالقوه (نه استفاده واقعی) به سرمایه‌گذاران نهادی اجازه می‌دهد تا بر مدیریت اعمال نفوذ نمایند.

سرمایه‌گذاران نهادی ناظران با نفوذتری نسبت به سرمایه‌گذاران انفرادی هستند، از این رو آنها مدیریت شرکت را جهت ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا ترغیب می‌نمایند. این نفوذ ممکن است در

شکل تقاضای آشکار یا مکانیزم ضمنی نظیر ریسک فروش حجم بزرگ سهام باشد که می‌تواند منجر به کاهش قیمت سهام شود. بدین ترتیب با فرض این که سرمایه‌گذاران نهادی دارای نفوذ و قدرت هستند و اطلاعات مالی با کیفیت بالا تقاضا می‌کنند، طبق فرضیه نظارت فعال درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بایستی ارتباط مثبتی با اندازه مؤسسه حسابرسی داشته باشد.

در برابر فرضیه نظارت فعال، فرضیه منافع شخصی وجود دارد. طبق این فرضیه به احتمال فراوان سرمایه‌گذاران نهادی از منافع خاصی نظیر دسترسی به اطلاعات محرمانه که برای اهداف تجاری استخراج شده‌اند، استفاده نمایند (Kim, 1993). در واقع آنها با استفاده از حقوق کنترلی خود به استثمار سهامداران کوچک و کسب منافع می‌پردازند. در صورتی که این امر صحت داشته باشد، فرضیه منافع شخصی حاکی از وجود یک رابطه منفی بین درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و اندازه مؤسسه حسابرسی است.

۲-۳- پیشینه تحقیق

بوش (Bushee, 1998) نشان داد که شرکت‌ها با مالکیت نهادی پایین در مقایسه با شرکت‌های دارای مالکیت نهادی بالا، با احتمال بیشتری هزینه‌های تحقیق و توسعه را کاهش می‌دهند تا اهداف کوتاه‌مدت سود تحقق یابد. این نتایج حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران نهادی با کاهش انگیزه مدیریت جهت حذف هزینه‌های تحقیق و توسعه نقش نظارتی ایفا می‌کنند.

بارتو و همکاران (Bartov, et al., 2000) به منظور ارزیابی کیفیت حسابرسی از شش مؤسسه بزرگ حسابرسی استفاده کردند. آنان فرض کردند حسابرسی توسط این شش مؤسسه‌دارای بالاترین کیفیت است و شرکت‌هایی که آنها را استخدام نکرده‌اند، سعی در ارائه اقلام تعهدی اختیاری بیشتر دارند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که شرکت‌هایی که شش مؤسسه بزرگ را استخدام نکرده‌اند، اقلام تعهدی اختیاری بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.

چونگ و همکاران (Chung, et al., 2002) با به کارگیری اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود، دریافتند که سهامداران نهادی از افزایش یا کاهش سود جهت تحقق سطح مورد نظر مدیریت جلوگیری می‌نمایند.

کان و همکاران (Kane, et al., 2004) به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی پرداختند. آنها اندازه مؤسسه حسابرسی را به عنوان عامل کیفیت حسابرسی در نظر گرفتند. آنها نشان دادند که بین مالکیت نهادی و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این بدان

معناست که سرمایه‌گذاران نهادی دارای نفوذ بیشتری در شرکت هستند و خواستار کیفیت حسابرسی بالا می‌باشند.

مینگ (Ming, 2007) با بررسی شرکت‌های چینی نتیجه گرفت ده مؤسسه بزرگ حسابرسی در چین بیشتر از موسسه‌های دیگر موجب کاهش مدیریت سود می‌شود.

وانگ و همکاران (Wang, et al., 2008) با بررسی شرکت‌های چینی دریافتند که شرکت‌های دولتی در مقایسه با شرکت‌های غیردولتی تمایل بیشتری به استفاده از حساب‌رسان کوچک محلی دارند. گیودهامی و همکاران (Guedhami, et al., 2009) به این نتیجه رسیدند که مالکیت دولتی و مالکیت خارجی ارتباط منفی و معناداری با انتخاب چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ دارد.

لای (Lai, 2009) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی بالا و شرکت‌های دارای فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌ها با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا نسبت به سایر شرکت‌ها با احتمال بیشتری پنج مؤسسه حسابرسی بزرگ را استخدام می‌نمایند.

نیسکانن و همکاران (Niskanen, et al., 2009) به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و تقاضا برای کیفیت حسابرسی در کشور فنلاند پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که با افزایش مالکیت دولتی احتمال انتخاب حساب‌رس بزرگ کاهش می‌یابد.

الیاسیانی و همکاران (Elyasiani, et al., 2010) به بررسی رابطه بین عملکرد شرکت و سطح ثبات مالکیت نهادی پرداختند. آنها دریافتند که بین عملکرد شرکت و ثبات مالکیت نهادی رابطه مثبت وجود دارد و با این مفهوم که سرمایه‌گذاران نهادی نقش فعال نظارتی ایفا می‌کنند، سازگاری دارد.

نوروش و همکاران (۱۳۸۴) رابطه بین سهامداران نهادی و تقارن اطلاعاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد در شرکت‌هایی که مالکیت نهادی بیشتری دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که مالکیت نهادی کمتری دارند، قیمت‌های سهام اطلاعات سودهای آتی را بیشتر در بر می‌گیرد.

ابراهیمی کردلر و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی نقش حساب‌رسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری پرداختند. در این تحقیق تأثیر نوع مؤسسه حسابرسی، نوع اظهارنظر حساب‌رس و تعداد بندهای شرط در گزارش حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که فقط نوع مؤسسه حسابرسی با اقلام تعهدی اختیاری ارتباط دارد.

۳- فرضیه تحقیق

با توجه به مبانی نظری مطرحه فرضیه تحقیق به شرح ذیل ارائه می‌شود:
 "بین سطح سرمایه‌گذاران نهادی و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد."

۴- روش تحقیق

این تحقیق از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی از نوع همبستگی است. از لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی است که نتایج حاصل از آن می‌تواند برای طیف گسترده‌ای شامل سهامداران، حسابرسان، تدوین‌کنندگان استانداردها و سازمان بورس اوراق بهادار تهران مفید باشد. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها از طریق نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین، تدبیر پرداز و سایت مدیریت پژوهش و توسعه اسلامی گردآوری و سپس داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسل آماده تجزیه و تحلیل شد. تجزیه و تحلیل نهایی توسط نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است.

۴-۱- متغیر وابسته

متغیر وابسته در این تحقیق، اندازه مؤسسه حسابرسی است. این متغیر، یک متغیر مجازی است که با مقادیر یک و صفر نشان داده می‌شود. چنانچه مؤسسه حسابرسی مورد استفاده شرکت، بزرگ باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر دارد. در این تحقیق اندازه مؤسسه حسابرسی در دو بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بعد اول چنانچه مؤسسه حسابرسی، سازمان حسابرسی باشد متغیر ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر دارد. در بعد دوم چنانچه مؤسسه حسابرسی جز مؤسسه‌های حسابرسی طبقه اول فهرست طبقه‌بندی شده سازمان بورس باشد متغیر ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر دارد. شایان ذکر است شرکت‌هایی که به صورت اجباری توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار می‌گیرند، از نمونه‌های تحقیق حذف شدند.

۴-۲- متغیر مستقل

سطح سرمایه‌گذاران نهادی متغیر مستقل است. این متغیر از طریق تقسیم سهام عادی در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی به کل سهام عادی در پایان دوره به دست می‌آورد.

۳-۴. متغیرهای کنترلی

اهرم. این متغیر با تقسیم بدهی‌های بلندمدت بر کل دارایی‌ها در پایان دوره حاصل می‌شود. در بسیاری از تحقیقات رابطه بین اهرم و انتخاب حسابرس مورد استفاده قرار گرفته است (Kane, et al., 2004). با فرض اینکه قراردادهای بدهی معمولاً دربرگیرنده معیارهای حسابداری هستند، اعتباردهندگان انگیزه دارند تا بر مدیریت نظارت نمایند و اطمینان یابند که مدیریت ارقام حسابداری گمراه کننده گزارش نکرده است. هنگامی که سطح بدهی افزایش می‌یابد، اعتباردهندگان خواستار استخدام موسسه‌های حسابرسی بزرگ هستند.

اندازه. لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان دوره به عنوان متغیر کنترلی اندازه می‌باشد. شرکت‌های بزرگ از سطح پیچیدگی بیشتری برخوردارند و مستلزم استخدام مؤسسات حسابرسی با منابع و تخصص بیشتر هستند. مدیران این شرکت‌ها انگیزه بیشتری دارند تا با استخدام یک مؤسسه بزرگ حسابرسی، کیفیت سود را پیام‌رسانی نمایند.

رشد. درصد تغییر در دارایی‌های شرکت به عنوان متغیر کنترلی رشد قلمداد می‌شود. شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد بالا ممکن است جهت افزایش سرمایه اضافی نیاز به تأمین مالی خارجی داشته باشند. مدیران این شرکت‌ها با استخدام حسابرسان بزرگ و با کیفیت به سرمایه‌گذاران آتی کیفیت سود را پیام‌رسانی می‌کنند.

سودآوری. بازده دارایی‌ها به عنوان متغیر سودآوری در نظر گرفته شده است که با تقسیم سود عملیاتی بر کل دارایی‌ها حاصل می‌شود. مدیران با عملکرد مناسب، کیفیت عملکردشان را با استخدام مؤسسات حسابرسی بزرگ پیام‌رسانی می‌نمایند.

پیچیدگی تجاری. این متغیر با تقسیم مجموع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید. این دو حساب معمولاً نیازمند تعدیلات حسابرس هستند و در مقایسه با سایر حساب‌ها از پیچیدگی بیشتری برخوردارند. شرکت‌های دارای پیچیدگی تجاری بالا مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر و با منابع بیشتر استخدام می‌کنند.

متغیرهای کنترلی بر اساس تحقیق کان و همکاران (Kane, et al., 2004) انتخاب شده‌اند.

۴-۴. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به دلیل ایجاد یکنواختی شرکت‌هایی به عنوان نمونه آماری انتخاب می‌شوند که حائز شرایط زیر باشند:

۱. سال مالی آنها به پایان اسفندماه ختم شود.
 ۲. طی سال‌های ۸۱ الی ۸۶ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده و به‌طور مداوم در بورس فعالیت داشته باشد.
 ۳. شرکت‌هایی که به‌صورت اجباری توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند، حذف شدند.
 ۴. اطلاعات شرکت برای مقاصد این تحقیق در دسترس باشد.
- بدین ترتیب با اعمال شرایط فوق ۵۰ شرکت به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. با توجه به این که برای آزمون مدل تحقیق، محاسبه تغییرات دو سال متوالی الزامی است، دوره تحقیق یک دوره زمانی پنج‌ساله بر اساس سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ می‌باشد. از این‌رو کل نمونه آماری تحقیق ۲۹۵ است. با حذف داده‌های پرت تعداد نمونه‌های تحقیق برای معیارهای اول و دوم به ترتیب ۲۲۰ و ۱۹۵ مشاهده گردید.

۴-۵- مدل تحقیق

از آنجایی که در تحقیق حاضر اندازه مؤسسه حسابرسی به‌عنوان متغیر وابسته و دو ارزشی (صفر و یک) است، با استفاده از رگرسیون لجستیک روابط بین متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مدل رگرسیون بر اساس مدل تحقیق کان و همکاران (Kane, et al., 2004) بدین شکل ارائه می‌شود:

$$\text{AUDIT-SIZE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{PIH}_{it} + \beta_2 \text{DEBT}_{it} + \beta_3 \text{SIZE}_{it} + \beta_4 \text{GROWTH}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \beta_6 \text{BUCO}_{it} + \varepsilon_{it}$$

AUDIT-SIZE_{it} : متغیر دو ارزشی است چنانچه اندازه مؤسسه حسابرسی شرکت i در پایان سال t بزرگ باشد (طبق دو معیار سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های حسابرسی طبقه اول فهرست طبقه‌بندی شده سازمان بورس) عدد یک و در غیر این صورت صفر

PIH_{it} : نسبت سهام عادی در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی به کل سهام عادی شرکت i در پایان سال t

DEBT_{it} : حاصل تقسیم بدهی بلندمدت به دارایی‌های شرکت i در پایان سال t به‌عنوان متغیر کنترلی

اهرم

SIZE_{it} : لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t به‌عنوان متغیر کنترلی اندازه

GROWTH_{it} : درصد تغییر در دارایی‌های شرکت i در پایان سال t به‌عنوان متغیر کنترلی رشد

ROA_{it} : حاصل تقسیم سود عملیاتی بر کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t به‌عنوان متغیر کنترلی سودآوری

$BUCO_{it}$: حاصل تقسیم مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی کالا بر کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t به‌عنوان متغیر کنترلی پیچیدگی تجاری

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- آمار توصیفی

در جدول شماره ۱ آمار توصیفی متغیرهای تحقیق همه مشاهدات آماری ارائه شده است. نکته قابل توجه در این جدول پراکندگی بالای متغیرهای تحقیق می‌باشد.

جدول (۱): آمار توصیفی

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
PIH	۰	۰/۸۷	۰/۱۲۴	۰/۲۰۸
DEBT	۰	۱/۱۶	۰/۱۰۸	۰/۱۳۵
SIZE	۴/۳۷	۷/۳۷	۵/۵۴۳	۰/۵۵۶
GROWTH	-۰/۹۶	۴۵/۰۵	۰/۵۶۳	۳/۲۰۶
ROA	-۰/۷۴	۱۹/۶۶	۰/۲۹۶	۱/۵۹۶
BUCO	۰/۰۱	۰/۹۲	۰/۴۴۱	۰/۲۱۶

۵-۲- یافته‌های رگرسیون لجستیک

جهت آزمون فرضیه تحقیق از مدل رگرسیونی لجستیک استفاده شده است. برای ورود متغیرها به رگرسیون روش حذفی گام به گام به کار برده شده است. بر طبق این روش رگرسیون لجستیک در ابتدا کار خود را با مدلی آغاز می‌کند که فقط دارای مقدار ثابت است و هیچ متغیر مستقلی در آن وارد نمی‌شود. سپس تمام متغیرهای مستقل وارد مدل شده و اثر آنها بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. متغیرهایی که میزان معناداری آزمون آماره والد آنها بالاتر است از مدل خارج می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که سطح خطا به ده درصد برسد.

نتایج مدل لجستیک بر اساس معیار اول در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج مدل رگرسیون بر اساس معیار اول

متغیر	ضریب متغیر	آماره والد	معناداری
مقدار ثابت	-۱۸/۰۴۷	۲۴/۷۲۸	۰/۰۰۰
سطح سرمایه‌گذاران نهادی	۳/۲۸۴	۶/۶۸۰	۰/۰۱۰
اندازه	۵/۴۴۹	۱۳/۹۲۸	۰/۰۰۰
پیچیدگی تجاری	۲/۲۶۴	۱۸/۴۱۹	۰/۰۰۰
Cox & Snell R ² : ۰/۱۴۴ Nagelkerke R ² : ۳۸/۲۸۹ آماره کای دو			

در معیار اول سازمان حسابرسی به‌عنوان حسابرس بزرگ تلقی شده است. مقدار آماره کای دو نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است. مقدار این آماره معادل ۳۸/۲۸۹ می‌باشد که در سطح خطای یک درصد معنادار است. بنابراین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر داشته و نشان‌دهنده برازش مناسب است.

مقدار شاخص‌های Nagelkerke R² و Cox & Snell R² در مدل به ترتیب برابر با ۲۸/۴٪ و ۱۴/۴٪ است که بیانگر قدرت پیش‌بینی مناسب مدل است.

مقدار ضریب سطح سرمایه‌گذاران نهادی برابر با ۳/۲۸۴ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. این ضریب مطابق با فرضیه نظارت فعال مثبت است. همچنین متغیرهای کنترلی اندازه و پیچیدگی تجاری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند و مطابق با مبانی نظری مطروحه رابطه مثبت با اندازه مؤسسه حسابرسی دارند.

در جدول شماره ۳ نتایج مدل لجستیک طبق معیار دوم به تصویر کشیده شده است. بر اساس معیار دوم، مؤسسه‌های حسابرسی طبقه اول فهرست سازمان بورس به‌عنوان حساب‌رسان بزرگ قلمداد شده است. مقدار آماره کای دو با معناداری در سطح خطای یک درصد معادل ۳۸/۰۴۰ می‌باشد و این حاکی از تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر است.

مقدار شاخص‌های Nagelkerke R² و Cox & Snell R² در مدل به ترتیب برابر با ۲۳/۸٪ و ۱۷٪ است که نشان‌دهنده مناسب بودن میزان وابستگی متغیر وابسته به متغیرهای مستقل است.

جدول (۳): نتایج مدل رگرسیون بر اساس معیار دوم

متغیر	ضریب متغیر	آماره والد	معناداری
مقدار ثابت	-۸/۶۴۲	۲۲/۵۲۴	۰/۰۰۰
سطح سرمایه گذاران نهادی	۲/۴۰۰	۳/۹۵۳	۰/۰۴۷
اندازه	۱/۶۷۰	۲۴/۷۷۷	۰/۰۰۰
Cox & Snell R ² : ۰/۱۷۰		Nagelkerke R ² : ۳۸/۰۴۰: آماره کای دو	

در این معیار نیز سطح سرمایه گذاران نهادی ارتباط مثبتی با اندازه مؤسسه حسابرسی دارد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. در بین متغیرهای کنترلی تنها متغیر اندازه در سطح اطمینان ۹۹ درصد با ضریب ۱/۶۷۰ معنادار است.

بدین ترتیب نتایج تحقیق حاکی از تأیید فرضیه نظارت فعال و رد فرضیه منافع شخصی است. این نتایج مطابق با یافته‌های کان و همکاران (Kane, et al., 2004) و برخلاف یافته‌های وانگ و همکاران (Wang, et al., 2008)، گیوده‌امی و همکاران (Guedhami, et al., 2009)، نیسکانن و همکاران (Niskanen, et al., 2009) می‌باشد. سرمایه گذاران نهادی به دلیل اهمیت بالای اطلاعات مالی جهت ارزشیابی شرکت، خواستار اطلاعات مالی با کیفیت بالا هستند. آنها نسبت به سایر سرمایه گذاران از نفوذ بیشتری برخوردارند که این نفوذ در شکل تقاضای آشکار یا مکانیزم ضمنی نظیر ریسک فروش حجم بزرگ سهام و در پی آن کاهش قیمت سهام صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، آنها با داشتن مبلغ بزرگی از سرمایه شرکت از یک سو قادر به خرید و فروش حجم بزرگ سهام هستند و از سوی دیگر با داشتن حق رأی، به صورت مستقیم تصمیمات مدیریت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو سرمایه گذاران نهادی برخلاف فرضیه منافع شخصی به استثمار سهامداران کوچک و کسب منافع نمی‌پردازند بلکه با استفاده از قدرت، نفوذ و ایفای نقش نظارتی خواهان اطلاعات مالی با کیفیت و خواستار انجام حسابرسی توسط موسسه‌های بزرگ هستند.

۳-۵- بررسی اعتبار مدل

۱. مدل رگرسیون برازش شده بایستی به صورت کلی معنادار باشد و متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیرگذار باشند. آماره کای دو در نگاره‌های شماره ۲ و ۳ نشان می‌دهد که مدل‌های برازش شده رگرسیون در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند.

۲. شاخص‌های R^2 Nagelkerke و R^2 Cox & Snell در مدل بیانگر قدرت پیش‌بینی مناسب مدل است و به میزان وابستگی متغیر وابسته به متغیرهای مستقل اشاره دارد. میزان این شاخص‌ها در جداول شماره ۲ و ۳ به تصویر کشیده شده است. لازم به توضیح است که در مدل‌های رگرسیون لجستیک، توان پیش‌بینی در حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد، توان مناسبی می‌باشد. از این رو مقادیر این شاخص‌ها برای مدل مناسب به نظر می‌رسد (بنی‌مهد، ۱۳۹۰).

۳. نتایج حاصل از جدول آماره‌های توصیفی در جدول شماره ۴ مبین این واقعیت است که درصد پیش‌بینی کلی مدل برای معیار اول و دوم به ترتیب ۸۹/۵ و ۷۱/۱ درصد است. از آنجا که در روش رگرسیون لجستیک، درصد پیش‌بینی مدل باید بالای ۵۰ درصد باشد تا قابل قبول باشد (بنی‌مهد، ۷۴، ۱۳۹۰)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که درصد پیش‌بینی مدل در تحقیق حاضر مناسب است.

جدول (۴): درصد پیش‌بینی مدل

۸۹/۵	درصد پیش‌بینی کلی مدل لجستیک بر اساس معیار اول
۷۱/۱	درصد پیش‌بینی کلی مدل لجستیک بر اساس معیار دوم

۴. اغلب هم حرکتی و یا هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود دارد، اما اگر این هم‌خطی زیاد باشد، مدل مناسب نخواهد بود. یکی از روش‌های آزمون هم‌خطی محاسبه ماتریس همبستگی است. در این ماتریس ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل محاسبه می‌شود. عدم همبستگی متغیرهای مستقل به معنای این است که ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل مساوی صفر است. اما در عمل به دست آوردن ضریب همبستگی صفر ممکن نیست و به عنوان یک قاعده می‌توان ضرایب همبستگی کمتر از ۵۰ درصد بین هر زوج متغیرهای مستقل را قابل قبول دانست و نگران وجود هم‌خطی نبود (بنی‌مهد، ۱۳۹۰). در جدول شماره ۵ میزان نوسانات هم‌خطی میان متغیرهای مستقل مدل ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که هر زوج از متغیرهای مستقل دارای هم‌خطی حاد نیستند. بیشترین میزان هم‌خطی میان اندازه و رشد است که مقدار آن برابر ۲۶/۹ درصد است.

جدول (۵): هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل

	PIH	DEBT	SIZE	GROWTH	ROA	BUCO
PIH	۱					
DEBT	-۰/۰۳۳	۱				
SIZE	۰/۱۵۱	-۰/۰۸۴	۱			
GROWT	-۰/۰۳۶	-۰/۰۳۰	۰/۲۶۹	۱		
ROA	۰/۱۲۳	-۰/۰۳۳	۰/۰۱۱	-۰/۰۳۳	۱	
BUCO	-۰/۱۲۴	-۰/۱۴۹	-۰/۳۲۱	-۰/۰۸۳	-۰/۰۷۳	۱

۵. به منظور بررسی وجود روابط غیرخطی بین متغیر مستقل و وابسته، رگرسیون‌های خطی، معکوس، سهمی، درجه ۳، توانی، مرکب، منحنی S، رشد و نمایی بر اساس دو معیار برازش شد. نتایج نشان می‌دهد رگرسیون‌های خطی، سهمی و درجه ۳ قابل محاسبه هستند که در جدول ۶ نمایش داده شده است. بهترین برازش، مدلی است که دارای کمترین سطح معناداری و بالاترین میزان آماره F باشد. بر این اساس در هر دو معیار رگرسیون خطی این ویژگی را دارد و بهترین برازش محسوب می‌شود.

جدول (۶): نتایج برازش مدل‌های خطی و غیرخطی

عنوان رگرسیون	معیار اول		معیار دوم	
	آماره F	معناداری	آماره F	معناداری
خطی	۱۳/۱۴۹	۰/۰۰۰	۶/۱۹۱	۰/۰۱۴
سهمی	۱۰/۱۴۰	۰/۰۰۰	۳/۱۴۳	۰/۰۴۵
درجه ۳	۸/۷۶۲	۰/۰۰۰	۳/۵۰۳	۰/۰۱۶

۶- نتیجه گیری

در این تحقیق رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سرمایه‌گذاران نهادی مورد بررسی قرار گرفت. اندازه حسابرسی به عنوان متغیر وابسته و مجازی، بر اساس دو بعد سنجیده شد. در بعد اول چنانچه مؤسسه حسابرسی، سازمان حسابرسی باشد متغیر ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر دارد. در

بعد دوم چنانچه مؤسسه حسابرسی جز مؤسسه‌های حسابرسی طبقه اول فهرست طبقه‌بندی شده سازمان بورس باشد متغیر ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر دارد. برای آزمون فرضیه تحقیق از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. یافته‌های تحقیق در هر دو معیار حاکی از رد فرضیه منافع شخصی، مایید فرضیه نظارت فعال و وجود ارتباط مثبت بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سرمایه‌گذاران نهادی است و نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران نهادی به صورت فعالانه بر کار مدیریت نظارت می‌کنند و خواستار استخدام مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ هستند. این نتایج مطابق با یافته‌های کان و ولوری (Kane, et al., 2004) و در تضاد با یافته‌های وانگ و همکاران (Wang, et al., 2008)، گیودهامی و همکاران (Guedhami, et al., 2009)، نیسکانن و همکاران (Niskanen, et al., 2009) می‌باشد. علاوه بر این تأثیر متغیرهای کنترلی اهرم، اندازه، رشد، سودآوری و پیچیدگی تجاری مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اندازه و پیچیدگی تجاری بر رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و اندازه مؤسسه حسابرسی تأثیر می‌گذارد و شرکت‌های بزرگ و دارای پیچیدگی بالا خواستار استخدام مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ هستند.

۷- محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. تأثیر گذاری ماهیت دولتی سازمان حسابرسی به عنوان یک عامل مزاحم در نتایج تحقیق
۲. عدم دسترسی به داده‌های مالی برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس
۳. کاهش قابلیت تعمیم نتایج تحقیق به دلیل تعداد محدود نمونه تحقیق

۸- پیشنهادات برای تحقیقات آتی

با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. پیشنهاد می‌شود این تحقیق به صورت مستقل در مورد هر یک از صنایع انجام شود.
۲. در این تحقیق متغیرهای کنترلی اهرم، اندازه، رشد، سودآوری و پیچیدگی تجاری مورد استفاده قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی متغیرهای دیگری نظیر سهام مدیریتی کنترل شود.
۴. بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و تغییر درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی
۵. بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و سرمایه‌گذاران نهادی
۶. بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و مدیریت سود

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی کردلر، علی؛ سیدی، سید عزیز (۱۳۸۷). «نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، سال پانزدهم، شماره ۵۴، ص ۱۶-۳.
۲. نروش، ایرج؛ ابراهیمی کردلر، علی (۱۳۸۴). «بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، شماره ۴۲، ص ۱۲۴-۹۷.
۳. بنی مهد، بهمن (۱۳۹۰). «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرس»، فصلنامه بورس و اوراق بهادار، شماره ۱۳، ص ۸۳-۵۹.
4. Bartov, E., S. Radharkrishnan, and I. Krinsky (2000). "Investor sophistication and Patterns in stock returns", The Accounting Review, Vol. 75 (1):43-63.
5. Bartov, Ferdinand and Judy. (2000). "Discretionary-Accruals Models and Audit Qualifications", Journal of Accounting and Economic, Vol 30, No 3, pp: 421-452.
6. Becker, DeFond and Jiambalvo. (1998). "The Effect of Audit Quality on Earnings Management", Contemporary Accounting Research, Vol 15, No 1: pp 20-36.
7. Brous PA, Kini O. (1994), "The valuation effects of equity issues and the level of institutional ownership: evidence from analysts' earnings forecasts". Finance Management, Spring:33-46.
8. Bushee BJ. (1998). "The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior". Account Review, vol. 73: 305-34.
9. Chung, R; Firth, M; Kim, J. (2002). "Institutional monitoring and opportunistic earnings management". Journal of Corporate Finance, Vol 8(1):29-48.
10. Davidson, R. A., & Neu, D. (1993). "A note on the association between audit firm size and audit quality". Contemporary Accounting Research, 9, 479-488.
11. DeAngelo. (1981). "Auditor size and audit quality". Journal of Accounting and Economics, vol 3(3), 183-189.
12. DeFond ML, Francis JR, Wong TJ. (2000). "Auditor industry specialization and market segmentation: evidence from Hong Kong". Audit J Pract Theory; 19(Spring):49-66.
13. Elyasiani, E; Jia, J. (2010). "Distribution of institutional ownership and corporate firm performance". Journal of Banking & Finance, Vol 34(3): 606-620.
14. Guedhami, O.; Pittman, J. A.; and W. Saffar (2009), "Auditor Choice in Privatized Firms: Empirical Evidence on the Role of State and Foreign Owners", Journal of Accounting and Economics, pp. 151-17.

15. Jensen MC, Meckling WH.(1976). "Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure". *Journal of Financial Economics* ;3(October): 305– 60.
16. Kane, G D; Velury, U.(2004). "The role of institutional ownership in the market for auditing services: an empirical investigation". *Journal of Business Research*, Vol 57(9):976-983.
17. Kim O.(1993), "Disagreements among shareholders over a firm's disclosure policy". *Journal Finance*; 2:747–760.
18. Lai, K.(2009). "Does audit quality matter more for firms with high investment opportunities? ", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol 28(1):33-50.
19. McConnell JJ, Servaes H.(1990). "Additional evidence on equity ownership and corporate value". *Journal of Financial Economics* ;27 (October):595– 612.
20. Ming, L.(2007). "Corporate Governance, Auditor Choice and Auditor Switch Evidence from China" A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Hong Kong Baptist University.
21. Niskanen, M.; Karjalainen, J.; and J. Niskanen (2009), "Demand for Audit Quality in Small Private Firms: Evidence on Ownership Effects", Available at: <http://ssrn.com/abstract=1324599>.
22. Palmrose, Z. (1988). "An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality". *The Accounting Review*. Vol. 64, No.1: 55-73.
23. Teoh SH, Wong TJ.(1993). "Perceived auditor quality and the earnings response coefficient". *The Accounting Review*; 68(April):346–66.
24. Titman, S. and B. Trueman. (1986). "Information Quality and the Valuation of New Issues". *Journal of Accounting and Economics*. Vol.8, No. 2: 159-172.
25. Wang, Q.; Wong. T. J.; and L. Xia (2008), "State Ownership, the Institutional Environment, and Auditor Choice: Evidence from China", *Journal of Accounting and Economics*, pp. 112-134.